

پایه گزاران نثر جدید فارسی

حسن کامشاد



نشرنی

کامشاد، حسن، ۱۳۰۴ -

پایه گذاران نشر جدید فارسی / حسن کامشاد. - تهران: نشرنی، ۱۳۸۴.

۳۱۶ ص.

ISBN 964-312-759-1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص ۲۹۱-۳۰۰.

نمایه.

۱. نشر فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد. ۲. نشر فارسی - قرن

۱۳ق. - تاریخ و نقد. ۳. ادبیات فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد. ۴.

ادبیات فارسی - قرن ۱۳ق. - تاریخ و نقد.

۸۶۰۹/۸ فا

پ ۲ / ۳۹۱۰ PIR

۱۳۸۴

۸۳.۳۴۷۶۶ م

کتابخانه ملی ایران



نشرنی

تهران، خیابان فاطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۵۸، کد پستی ۱۴۱۳۷

تلفن: ۵۹ و ۸۰۰۴۶۵۸، صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۴۱۴۵

www.nashreny.com

دفتر فروش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۵۱۲

تلفن: ۶۴۹۸۲۹۳، فکس: ۶۴۹۸۲۹۴

کتابفروشی: خیابان کریم خان، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹

تلفن ۸۹۰۱۵۶۱

پایه گذاران نشر جدید فارسی

حسن کامشاد

• چاپ اول ۱۳۸۴ تهران • تعداد ۲۲۰۰ نسخه • لیستوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-759-1

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۷۵۹-۱

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۱۱	یادداشت نویسنده
۱۳	پیش‌گفتار

بخش یکم

۱۹	۱. پیش‌زمینه تاریخی
۲۰	دوره سامانیان
۲۱	دوره غزنویان، سلجوقیان و خوارزمیان
۲۳	دوره مغولان و تیموریان
۲۴	دوره صفویان
۲۷	۲. قاجار و اصلاحات (۱۲۱۰-۱۳۴۴ ه.ق)
۳۲	۳. تجدید حیات نثرنویسی
۳۲	قائم‌مقام فراهانی
۳۳	امیرکبیر
۳۴	میرزا ملکم‌خان
۳۶	عبدالرحیم طالبوف

۳۸	۴. در آستانه انقلاب
۳۸	سیاحت‌نامهٔ ابراهیم‌بیک
۴۳	ترجمهٔ حاجی بابای اصفهانی
۵۳	نخستین ترجمه‌ها
۵۵	نخستین روزنامه‌ها
۵۸	۵. انقلاب مشروطیت
۶۳	ادبیات انقلاب
۶۵	مطبوعات و شاعران
۶۶	علی‌اکبر دهخدا
۷۱	۶. زمان تاریخی
۷۴	محمدباقر خسروی
۷۷	شیخ موسی نثری
۷۸	حسن بدیع
۷۹	صنعتی‌زاده کرمانی
۸۴	دیگران
۸۸	۷. پادشاهی رضاشاه (۱۳۰۴—۱۳۲۰)
۹۳	۸. نخستین نویسندگان دوران رضاشاه
۹۴	مشفق کاظمی
۹۶	عباس خلیلی
۹۷	ربیع انصاری
۹۹	۹. نویسندگان بعدی دوران رضاشاه
۱۰۱	جهانگیر جلیلی
۱۰۳	محمد مسعود
۱۰۷	علی دشتی
۱۱۳	محمد حجازی
۱۲۹	۱۰. پس از رضاشاه: دورهٔ آزمایش سیاسی (۱۳۲۰—۱۳۴۴)
۱۳۵	۱۱. نویسندگان پس از جنگ
۱۳۷	محمدعلی جمال‌زاده
۱۶۶	۱۲. بزرگ علوی

۱۸۴	 نویسندگان جوان تر
۱۸۴	 جلال آل احمد
۱۸۶	 صادق چوبک
۱۹۱	 به آذین
۱۹۲	 تقی مدرسی
۱۹۳	 علی محمد افغانی

بخش دوم

۲۰۱	 صادق هدایت
۲۰۱	 سرشناس ترین نویسنده ایران جدید
۲۰۸	 دوره اولیه
۲۱۱	 دوره آفرینندگی
۲۱۳	 فرهنگ عامه و باورهای سنتی
۲۱۴	 گشت و گذار در گذشته
۲۱۷	 عمر خیام و فلسفه اش
۲۲۰	 زندگی هموطنان
۲۲۳	 نیشخندها
۲۲۸	 بوف کور
۲۲۸	 درون کاوی های جنون آسا
۲۵۵	 بوف کور از دید منتقدان غربی
۲۶۳	 دوره بی حاصل
۲۶۶	 دوره امیدواری
۲۸۶	 فرجام
۲۹۱	 کتاب شناسی
۳۰۱	 نمایه

یادداشت نویسنده

می‌گویند دلاک‌ها بیکار که می‌شوند سر یکدیگر را می‌تراشند، من هم سر پیری، لابد چون کار چندانی ندارم، به فکر تراشیدن سر تاس خود افتاده‌ام! مطالب این کتاب نزدیک پنجاه سال پیش به انگلیسی به قلم آمد. در سال ۱۳۳۳ (۱۹۵۴ میلادی) از من دعوت شد برای تدریس زبان فارسی در دانشگاه کیمبریج به انگلستان بروم. در پنج سالی که آنجا بودم ضمن تدریس به تحصیل نیز پرداختم و این نوشته در اصل پژوهش برای رسالهٔ دکترایم بود. چند سال بعد انتشارات دانشگاه کیمبریج برای چاپ رساله ابراز علاقه کرد و به یاری بورسی از بنیاد راکفلر به کیمبریج بازگشتم و متن نسبتاً خشک رساله را ویرایش و پیرایش کردم که به شکل کنونی انتشار یافت.^۱

در آن زمان این نخستین بررسی جامعی بود که از ادبیات جدید ایران

1. *Modern Persian Prose Literature*, Cambridge University Press, 1966.

در خارج کشور به عمل می‌آمد و غرض آشنا ساختن علاقه‌مندان خارجی با داستان‌نویسی و نثر معاصر فارسی بود. و از قضا اصل انگلیسی از همان ابتدا کتاب درسی بسیاری از دانشگاه‌های اروپا و امریکا شد. برگردان کتاب به فارسی تقریباً بی‌کم و زیاد انجام پذیرفته است. پاره‌ای نکات، به‌ویژه شماری منابع و ارجاعات، که به صلاح‌دید ناشر در چاپ انگلیسی نیامده بود. چون ظاهراً برای خواننده‌ی یگانه با ادبیات ما زائد می‌نمود. اینجا در یادداشت‌های آخر کتاب برای فارسی‌زبانان از نو افزوده شد.

داوری‌های سیاسی من، به‌ویژه درباره‌ی دوران رضاشاه، داوری‌های «دست چپی» مرسوم آن روزگاران و باید اعتراف کنم نیاز مبرم به بازاندیشی دارند.

و سرانجام، امید است خوانندگان فرهیخته‌ی امروزی سهو و کاستی‌های این اثر را به حساب جوانی، خامی و پیشگامی نویسنده در نیمه‌ی قرن گذشته، و نیز تا اندازه‌ای دور بودن او از منابع و مآخذ به‌هنگام نگارش، بگذارند.

حسن کامشاد

فروردین ۱۳۸۳

پیش‌گفتار

آخرین جلد تاریخ ادبیات ایران^۱ نوشته ادوارد براون در ۱۹۲۴ منتشر شد. این مجلد تحولات ادبی ایران را در قرن حاضر تا ۱۹۲۱ بررسی می‌کند. برای پژوهنده ادب فارسی و سوسه ادامه‌دادن کار براون امری بدیهی است، و صاحب این قلم نیز در سال‌های ۱۹۵۴-۱۹۵۹ که در دانشگاه کیمبریج فارسی تدریس می‌کرد به این هوس افتاد. اما درحالی‌که براون با چشمی تیزبین هم به نثر و هم به شعر فارسی و تجلیات هر دو رشته نگریست، پیرو نامجهز او بر آن است که فقط به بررسی نثر جدید فارسی، و آن هم تنها در زمینه ادبیات داستانی، پردازد. روزنامه‌نگاری در ایران قرن بیستم به مطالعه ویژه‌ای نیازمند است. اشاره ما به روزنامه‌ها در اینجا در حدی است که به نثر ادبیات داستانی یاری رساندند و سبک نوین نثرنویسی را رونق بخشیدند. نمایشنامه‌نویسی هم در حدی که بر سبک نگارش رُمان و داستان کوتاه تأثیر نهاد مورد توجه قرار گرفته است.

1. Edward G. Browne, *Literary History of Persia*, 4 vols., Cambridge, 1924.

نوشته‌های صددرصد ادبی نیز از قلم افتاده، چه اینها مقاله‌اند و داستان‌نویسی به‌شمار نمی‌آیند. این امر شامل مقاله‌های علمی و تحقیقی هم می‌شود که نقد و بررسی آنها از حوصله این اثر بیرون است.

کتابی که در دست دارید بدین باور به قلم آمده که نثرنویسی خلاق در ایران در پنجاه سال گذشته چنان پیشرفت داشته و بازتاب و ویژگی‌های عمده‌ای از فرهنگ و جامعه امروز ایران بوده که شایسته پژوهش و توصیف است. شرح و بسط آثار بررسی شده در این صفحات ناگزیر می‌باید از حد معمول و متعارف تجاوز کند، چه سروکار ما با ادبیاتی است که در بیرون مرزهای زادگاهش ناخوانده و ناشناخته است. گرفتاری نویسنده این بود که باید افزون بر نقد نوشته‌ها شکل و محتوای هریک را نیز برای خواننده ناآشنا با ادبیات داستانی جدید ایران شرح بدهد. داستان‌نویسان معاصر ایران همه از تحولات و پیشامدهای کشورشان تأثیر پذیرفته‌اند، از این‌رو به شرایط اجتماعی و سیاسی که در آن به‌سر بردند، و به‌ویژه به افزایش تماس با غرب و جریان انتقال و گذر پیامد، نیز توجه شده است. برای خواننده خارجی که می‌داند تفاخر ایرانی به شعر فارسی است شاید این پرسش پیش آید که چرا یک ایرانی درصدد برآمده نثرنویسی کشورش را به‌دنیای خارج بشناساند. شعر و شاعری در ایران تا قرن نوزدهم وسیله بسیار مهم بیان ادبی بود، اما در این هنگام تماس فزاینده با جهان نو، جهان عمدتاً فن‌سالار، رخ داد. شعر کلیشه‌ای و قواعد مرده آن فاقد بیان و شیوه سخنی بود که اندیشه‌های نوین می‌طلبید. بنابراین نثر ابزار چیره ادبی در ایران جدید شد. درضمن نثرنویسی را نباید به‌هیچ‌وجه شیوه ادبی نوظهوری در زبان فارسی انگاشت. آثار نثری فراوان و درخور ملاحظه‌ای از دیرباز وجود داشته‌اند، به‌ویژه وقایع‌نامه‌های تاریخی که برای فهم کامل رشد زبان فارسی آنها را باید ضروری شمرد. گذشته از تاریخ‌های پرشمار، نوشته‌های تخیلی، بیشتر به‌صورت قصه‌های اخلاقی و تعلیمی، و غالباً با شعرهای مناسب، از سده‌ها پیش جزء مفاخر ادبی ایران بوده‌اند.

پس ضروری به نظر آمد که ابتدا خطوط اصلی شکل‌گیری تاریخی نثر فارسی به صورت فشرده بیان شود. دگرگونی چشمگیری که در شیوه نثرنویسی در دوره جدید روی داد یکی از ویژگی‌های آثار بررسی شده در این کتاب است. با وجود این درست نیست که نثر معاصر را یکسره مجزا از ادبیات متشور گذشته پنداریم. پس از نگاهی کلی به پیش‌زمینه نثر فارسی، دوران جدید را با بررسی سال‌های اولیه قاجار و دوره پیش از مشروطیت آغاز کرده‌ایم. در این زمان بود که نفوذ تجدد رفته‌رفته در زندگی و ادبیات ایران جلوه گر شد. دوشادوش نفوذ تجدد عوامل سیاسی نوظهور و نوعی هشیاری روزافزون اجتماعی و نیز طبقه متوسط بالنده‌ای از افراد تحصیل کرده به وجود آمد و اینها همه تأثیری بسزا بر تلقی ایرانیان از ادبیات گذاشت. از سوی دیگر، هشیاری اجتماعی فزون‌تر موجب شد که ادبیات حربه انتقاد اجتماعی شود. و اگرچه این امر تازه‌ای در ایران نبود، ولی شکل‌هایی که به کار گرفته شدند تازگی داشتند. از اینها گذشته، خوانندگان طراز نو خواستار ادبیات طراز نو بودند، ادبیاتی که، ضمن سایر چیزها، بازتاب فرهنگ‌های خارجی و پیشرفت‌های علمی نیز باشد و این سبب گسترش روزنامه‌ها و آغاز ترجمه گسترده و فراخ‌دامن از آثار خارجی شد. خواننده اگر از تاریخ ایران در سال‌های نهایی قرن نوزدهم کاملاً بی‌خبر هم باشد، باز هنگام خواندن دستاوردهای این ادبیات، جوش و خروش سیاسی را به وضوح می‌بیند. پس از دورانی به نسبت راکد و بی‌حرکت، مردمی به غایت سخنور، مردمی که فصاحت ادبی خود را همیشه به نحوی نگه داشته‌اند، بار دیگر شور بیان ادبی یافته بودند. اما امیدهای زرین نخستین جرقه‌های تجدد که به ناکامی گرایید لحن بیان نویسندگان نیز عوض شد. به هر صورت، شدت و حدت نوشته‌های ادبی جدید در سطحی بوده است که بتوان تحولات تازه را یک نهضت ادبی خواند.

و همین تغییر لحن و آهنگ در ادبیات جدید ایران است که در صفحات بعدی این کتاب به بحث گذاشته می‌شود. در دوره پس از انقلاب [مشروطیت]، در اوقاتی که مسائل سیاسی پیچیده لاینحل مانده بود، آمیزه

درهم و برهمی از کارهای ادبی پدید آمد. اینها بیشتر تقلید شتاب‌زده‌ای از نمونه‌های خارجی بود، بدون اینکه مفهوم آنها درست فهمیده یا جذب شده باشد. در دهه‌های بیست و سی قرن بیستم نوعی تنزل کلی در ضوابط اجتماعی و اخلاق عمومی در ایران روی داد. و اینها در ادبیات زمان نیز انعکاس یافت. در این دوره است که می‌بینیم نویسندگانی که داعیه شوق اصلاحات دارند در بسیاری موارد به بهانه افشای مفاسد اجتماع داستان‌های زننده و مستهجن به خورد خوانندگان خود می‌دهند. در دوران پس از رضاشاه با بیرون آمدن آثاری که بادوام‌تر می‌نمود گونه‌ای تجدید امیدواری باز به چشم خورد. فروپاشی این امیدهای زودگذر را هم خواهیم دید.

پس از بررسی این دوره، به بحثی نسبتاً مشروح درباره نویسنده‌ای پرداخته‌ایم که به نظر ما سرآمد نویسندگان جدید ادبیات فارسی است. صادق هدایت بغرنج‌تر از آن است که با دیگر چهره‌های ادبی ایران - که بر بسیاری از آنان تأثیری ژرف نهاد - در یک گلیم بگنجد. تراژدی جامعه امروزی ما و بار مسئولیت تاریخ دیرپای ایران به طرزی فراموش‌نشده در کارهای او بازتاب یافته است.

در میان جمع دوستان و همکارانی که بی‌دریغ به من یاری رساندند، و از همه آنها صمیمانه سپاسگزارم، باید به‌ویژه از پروفیسور روبن لوی^۱، که این بررسی در اصل برای رساله دکترا تحت هدایت او انجام شد، و پ. و. ریوری^۲، دانشیار زبان فارسی در دانشگاه کیمبریج و نویسنده کتاب ایران نوین^۳، تشکر کنم. بدون یاری و تشویق اینان اثری که در پیش رو دارید شکل کنونی را نمی‌داشت.

حسن کامشاد

تهران، تیرماه ۱۳۴۴

1. Reuben Levy

2. P.W. Avery

3. *Modern Iran*